

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه زلزال

استاد ضرابی دیماه ۱۳۹۹

جلسه چهارم/۲۰/۱۰/۹۹

آیات شریفه: «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)» - در آن روز مردم يك جور محشور نمی‌شوند بلکه طایفه‌هایی مختلفند تا اعمال هر طایفه‌ای را به آنان نشان دهند (۶) پس هر کس به سنگینی يك ذره عمل خیری کرده باشد آن را می‌بیند (۷) و هر کس به سنگینی يك ذره عمل شری کرده باشد آن را خواهد دید (۸)»

عنوان : گونه‌گونی سرنوشت‌ها

گفته شد که مقصود از « يَوْمَئِذٍ » وقتی است که انسان از عالم ملک به عالم ملکوت منتقل می‌گردد. «أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ - چرا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چه خدا آفریده است نمی‌نگرند و تفکر نمی‌کنند که شاید اجلشان نزدیک شده باشد» (اعراف/ ۱۸۵)

تعبیر « يَصْدُرُ النَّاسُ » اگر مقصود بیرون آمدن جسم خاکی از قبر نباشد، حکایت از این دارد که انسان از غلاف تن بیرون آمده بسوی سرنوشت خود می‌شتابد. و دلیل پراکنده بودن « أَشْتَاتًا » هم که در آیه بعد باز شده این است که انسان‌ها بخاطر تفاوت عملکردها، چهره‌ها و هویتها و جایگاه‌های متفاوتی که پیدا کرده‌اند هر کدام تعلق به جایی دارند که به همان سو حرکت می‌کنند. پراکندگی به معنای سرگردانی در جهانی که همه چیز آن روی نظم و حساب است معنا ندارد در جایی که قرار است ذره ذره اعمال در نظمی فوق فهم و طاقت انسان اعمال شود

باید « أَشْتَاتًا » به گونه‌گونی سرنوشت‌ها و منازل و تفاوت حسابرسی‌ها و وضعیت‌های متناسب با احوال افراد معنا شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ لِلْإِيمَانِ دَرَجَاتٍ وَ مَنَازِلَ يَتَفَاضَلُ الْمُؤْمِنُونَ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ قَالَ ... - برای ایمان درجات و مراتبی است که مؤمنین نسبت به آن‌ها نزد خدا بر یکدیگر برتری دارند... [خداوند] می‌فرماید: خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد. (مجادله/۱۱). در آیه دیگر فرمود:! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آن‌ها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود بر نمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آن‌ها نوشته می‌شد. (توبه/۱۲۰). در آیه دیگر فرمود: و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا [در سرای دیگر] خواهید یافت.» (الکافی، ج ۲، ص ۴۰)

جمشید جز حکایت جام از جهان نبرد زنهار دل مبند بر اسباب دنیوی
دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به جز از کشته ندروی

عنوان : در همه چیز مقصود خداست

نکته مهم این است که باید اندیشید لام در « لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ » که به معنای غایت و مقصود آمده، چه نکته‌ای دارد؟ اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد این است که مقصود تنها مشاهده نیست بلکه « جزا دیدن » است. جزا دیدن شامل چشیدن عذاب، سوختن و واقف شدن به حقیقت و باطن خوب و بد عمل خود و همراه شدن با آن است.

عذابها در دنیا در قالب رنج‌ها و محنت‌ها و مصیبت‌ها، بیماریها و نکبت‌ها که به صورت فردی و اجتماعی انسان را احاطه می‌کرد همه و همه بخاطر بازگشت به راه حق بود؛ بیماریها برای قدر سلامت دانستن بود، حتی فحشاء، فقر و نکبت‌ها تازیانه‌های هدایت بسوی خدا و راه حق بود. یعنی همه « لله » بود؛ اما سؤال این است که در ملکوت عذاب‌های برزخی برای چیست؟ « هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذَّبُ بِهَا

الْمُجْرِمُونَ * يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آن * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ - این است همان جهنمی که تبهکاران آن را دروغ می خواندند * میان [آتش] و میان آب جوشان سرگردان باشند * پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟» (الرحمن/۴۳)

باید گفت همه چیز برای خداست و غایت و مقصود همیشه اوست نه چیز دیگر؛ ولیکن در برزخ که به منزله بیمارستانی بزرگ است برای آنها که با آیات و عبرتهای دنیا به راه راست هدایت نشدند در این مرحله با مشاهده حقیقت زشت و زیبای اعمال خود و دریافت شمه‌ای از نعمت و عذاب روز قیامت آخرین مراحل مداوای خود را سپری می‌کنند؛ اهل عذاب برای پاک شدن از گناهان و اهل نعمت در برزخ برای تکامل و اوج و ترفع و آمادگی بیشتر.

عارف که ز سر معرفت آگاه است بی خود زخودست و با خدا همراه است

نفی خود و اثبات وجود حق کن این معنی لا اله الا الله است

عنوان : مقصود از بهشت همنشینی با خداست

از این منظر آیات شریفه « فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ » ناظر به برزخ‌اند؛ زیرا معنا ندارد که کسی در بهشت بعد از برپایی قیامت شاهد امر ناخوشایند و ذرّه‌ای شرّ باشد. و نیز در جهنم بعد از برپایی قیامت کسی شاهد امر خوشایند و ذرّه‌ای خیر باشد. اما حتی در جهنم و بهشت ابدی مقصود و غایتی جز خدا وجود ندارد. و اساسا بهشت برای مؤمنان غایت نیست بلکه مقصود همنشینی با خداست و بهشت دارالمرآوده با حق تعالی؛

همانگونه که در دنیا وقتی نظر را از غیر او برداشت و به محبوبش متوجه می‌شد، او را می‌یافت و به وسیله یاد خدا با او همنشین می‌شد؛ «أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي - من همنشین آن کسی هستم که مرا یاد کند.» (ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۶۰)

آن که عمری در پی او می‌دویدم کو به کو ناگهانش یافتم با دل نشسته روبرو

عنوان : بازگشت بسوی اوست

لقاء خداوند برای مؤمنان، با منازل مختلفی که دارند بگونه‌ای مناسب مقام آنهاست
 لقاء اسماء و صفات او بگونه‌ای است که با همه وجود خود قادریت، علم و زیبایی
 او را در درون و بیرون وجود خود می‌بینند و می‌چشند و از آن بهره می‌گیرند و
 سیر در اسم قادر الهی برای آنها تمامی نداشته، عجائب و شگفتی‌هایش تمام شدنی
 نباشد. همین‌طور سیر در اسم جمیل و سلطان و اسماء دیگر، اینها بازگشت بسوی
 خداوند است که برای پیامبران و اولیاء الهی در مرتبه‌ای و برای دیگران نیز در
 مرتبه مناسب مقام آنها حاصل می‌شود. « يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ
 وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ - این درحالی است که
 برای پذیرایی آن‌ها [ظرف‌های طلایی و جام‌های [شراب ظهور] را گرداگرد آن‌ها
 می‌گردانند؛ و در آنجا هرچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد آماده
 است؛ و شما جاودانه در آن خواهید ماند.» (زخرف/۷۱) اما انسان آنقدر عظمت پیدا
 می‌کند که این همه را فقط بهانه همنشینی با محبوب و بخاطر با او بودن
 می‌خواهد.

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت...

عنوان: چرا از جهنم خدا نمی‌هراسیم؟

ستمکاران و ظالمان در جهنم ابدی قیامت چگونه با خدا دیدار خواهند کرد؟
 پیداست که با اسماء خشم و سخط الهی ملاقات می‌کنند و همواره شاهد غضب
 الهی خواهند بود. اما چرا چنین است و چرا راه نجاتی برای آنها نیست؟ پاسخ این
 سؤال این است که آنها که از پلیدیها توبه نکرده‌اند و تا دم مرگ بر آن اصرار
 داشته‌اند و در دارالشفاء برزخ با مشاهده حقیقت اعمال پلیدشان، روحشان از آن
 متنفر نشده و پاک نگردیده‌اند؛ یعنی آنکه با پلیدی‌ها یکی گشته‌اند و از آن جدایی
 ندارند. در این صورت اگر پرسیده شود، خیانت و دروغ و ظلم و ستم تا کی باید
 در جهنم بماند جواب آن چیست؟ فحاشی و تعدی و تجاوز تا کی باید در جهنم
 بماند؟ جواب چیست؟

یا اینکه خداوند باید تا کی آنها را از رحمت خود طرد کرده بر آنها غضبناک باشد؟ جواب چیست؟ می بینید که هیچ داوری نمی تواند بگوید دروغ و خیانت و تجاوز و تعدی و دیگر زشتی ها را آزاد کنید یا حتی برای لحظه ای قید و بند را از آنها بردارید؟ آیا چنین نیست؟ اگر چنین است پس چرا به حال خود رحم نمی کنیم و چرا از این سرنوشت دردناک نمی هراسیم و بخود نمی آییم؟! برآستی چرا؟! «... فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ» - ... پس به راستی بعد از قرآن به چه گفتاری ایمان می آورند. «(اعراف/ ۱۸۵)

بهشت و دوزخ با تست در پوست چرا بیرون ز خود میجوئی ای دوست

و به راستی اگر جز همین آیات را در قرآن کریم نداشتیم کافی بود همانطور که «آن اعرابی بعد از شنیدن آیات فَمَنْ يَعْمَلْ... گفت: مرا کافی است و پروایی ندارم از اینکه جز این آیات را از قرآن نشنوم و پیامبر (ص) درباره او فرمود: «این مرد در حالی بازگشت که فقیه (آگاه از دین) شد». (بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷)

امام سجّاد (علیه السلام): اعْلَمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَّ مِنْ وَرَاءِ هَذَا أَكْثَرَ وَأَعْظَمَ وَ أَفْظَعَ وَ أَوْجَعَ لِلْقُلُوبِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... - آدمیزاد! بدان که مراحل بعد و [فشارهای] قیامت بالاتر. هولناکتر و دل آزارتر است، روزی است که مردم همه گرد آیند و روز حضور [یا دیدار جزای اعمال] است، خدا اولین و آخرین را گرد می آورد، در «صور» دمیده شود، و قبرها زیر و رو می گردد، روز نزدیک است. روزی است که دلها [از وحشت] به گلوگاه می آید، و نفس در سینه ها حبس می شود، روزی است که از لغزشی نمی گذرند، «فدیه» و بدلی نمی ستانند، از هیچ کس عذری نمی پذیرند، کسی را رخصت توبه نمی دهند، هیچ چیز جز پاداش نیکی و کیفر گناه در کار نمی باشد، هر که در این دنیا ذره ای کار خیر کرده آن را می یابد، و هر که ذره ای کار شرّ کرده آن را می بیند. «(الکافی، ج ۸، ص ۷۳)

جلوه ای کرده از یمین و از یسار دوزخی در جنتی کرد آشکار جنتی